

صوراسرافیل، نامہ ی آزادی

سہراب یزدانے

www.ketab.ir

www.ketab.ir

سرشناسه:	یزدانی، سهراب، ۱۳۲۸
عنوان و پدیدآور:	صوراسرافیل، نامه‌ی آزادی، سهراب یزدانی
مشخصات نشر:	تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی هنری خانه‌ی هنر مند، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری:	۲۲۰ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۵۳۸۵-۱۸-۴
وضعیت فهرست نویسی:	فنی
موضوع:	صوراسرافیل (روزنامه)
موضوع:	ایران - تاریخ - انقلاب مشروطه - مطبوعات
رده‌بندی کنگره:	DSR ۱۴۰۳
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵/۰۷۵۰۵
شماره‌ی کتابشناسی ملی:	۹۳۶۱۶۳۶

صورت‌الرافیل، نامه‌ی آزادی

نویسنده: سید علی یزدانی

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۲

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و صفحه‌آرایی: محمدتقی بابایی

طراحی جلد: فاطمه حاتمی

مدیر تولید: مصطفی شریفی

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۸۵-۱۸-۴

همه‌ی حقوق این اثر متعلق به مؤسسه‌ی فرهنگی هنری خانه‌ی هنرمند است.



نشر قد

فهرست

پیش‌گفتار.....	۹
فصل ۱. پرورش در زمانه‌ی استبداد.....	۱۳
فصل ۲. صوراسرافیل.....	۳۵
فصل ۳. صحنه‌ی سیاست.....	۶۱
فصل ۴. زمین و برابری.....	۸۵
فصل ۵. برخورد دو جهان.....	۱۱۱
فصل ۶. چرند پرند.....	۱۳۵
یادداشت‌ها.....	۱۷۵
مشخصات هفته‌نامه‌ی صوراسرافیل.....	۲۰۳
گزیده‌ی منابع.....	۲۰۵
نمایه.....	۲۰۹

پیش‌گفتار

برپایی نظام مشروطه در ایران نظارت حکومت خودکامه بر جامعه را سست کرد و رشته آزادی‌هایی برای ایرانیان فراهم آورد. روزنامه‌نگاری نیز از بند و بست‌های گذشته رها شد و ایرانیان برای نخستین بار پدیده‌ی «روزنامه‌ی آزاد» را تجربه کردند. در مدتی کم‌تر از دو سال، بیش از صد روزنامه در سرتاسر کشور منتشر شدند و حوزه‌ی مدنی جدیدی را به وجود آوردند. اما در میان انبوه روزنامه‌ها، تنها چندتایی در روزگار خود به شهرت رسیدند و پر رویدادهای جامعه اثر نهادند و آوازه‌ای ماندگار یافتند. صوراسرافیل یکی از آن چند روزنامه بود.

مقالات هفته‌نامه‌ی صوراسرافیل تاکنون به صورت‌های مختلف بررسی شده‌اند. چند تن از مورخان مشروطیت و کارشناسان ادبیات و مطبوعات ایران بخش‌هایی از آن هفته‌نامه را تحلیل کرده‌اند. اما مجموعه‌ی آن تجربه به‌طور مستقل و گسترده هنوز موضوع مطالعه قرار نگرفته است. این دفتر صوراسرافیل را روزنامه‌ای همانند نشریه‌های دیگر آن روزگار نمی‌بیند، بلکه بر این باور است که برخلاف روزنامه‌های دوره‌ی مجلس یکم، صوراسرافیل درباره‌ی مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور اندیشه‌هایی سازمان‌یافته داشت. به سخن دیگر، روزنامه‌ای ایدئولوژیک بود. بنابراین، برای آن‌که بدانیم نویسندگان روزنامه چه می‌گفتند و از کدام اندیشه‌ها تأثیر می‌پذیرفتند، نمی‌توان به بررسی بخشی از آن روزنامه پرداخت، بلکه باید مجموعه‌ی مقاله‌های آن را خواند و تحلیل کرد. ما بر پایه‌ی همین فرض صوراسرافیل را مطالعه می‌کنیم و در این کار چند مطلب را در نظر می‌گیریم:

یکم - صوراسرافیل در روزگاری منتشر می‌شد که ممیزی مطبوعات رنگ باخته بود. با این همه، نه نظام اداری گذشته کاملاً فرو ریخته بود، نه زمامداران نگاه سستی خود به مبانی حکومت را یکباره کنار نهاده بودند و نه ایرانیان هنوز تاب شنیدن بسیاری از سخن‌ها را داشتند. بنابراین، روزنامه‌نگار هر اندازه هم که جسور و بی‌پروا بود، به‌ناچار

باید حد و مرزهایی را در نظر می‌گرفت. او نمی‌توانست هرچه را که می‌اندیشید بنویسد. گاه آنچه را هم که می‌نوشت در پرده می‌پوشاند یا به زبان بی‌زبانی می‌گفت. بنابراین همیشه نمی‌توان به آنچه روزنامه‌نگار دوره‌ی مشروطه به‌راستی در سر داشت پی برد.

دوم - صوراسرافیل هنگامی منتشر می‌شد که مسائل سیاسی در محیطی پراشتاب با شتاب و شدت دگرگون می‌شدند. نویسندگان روزنامه نیز از آن دگرگونی‌ها تأثیر می‌پذیرفتند، آن‌ها را در نوشته‌ی خود باز می‌تاباندند و در برابرشان واکنش نشان می‌دادند. مسائل روزمره‌ی سیاسی یکی از دو بخش اصلی مطالب روزنامه را تشکیل می‌داد.

سوم - در عین حال، صوراسرافیل دلمشغول مسائل ژرف اجتماعی و فرهنگی بود که آن‌ها را ریشه‌های عقب‌ماندگی ایرانیان می‌دانست. مقاله‌های گوناگون هفته‌نامه به چنین مسائلی اختصاص داشتند. گاه حتی مقاله‌هایی که از رویدادهای روزمره سخن می‌گفتند نیز نگاه خود را به بنیادهای اجتماعی و فرهنگی وقایع می‌دوختند.

چهارم - به علت ملاحظات گوناگون (نکته‌ی یکم)، دگرگونی پرشتاب رویدادها (نکته‌ی دوم) و آمیختگی مسائل روزمره با جدیدهای ریشه‌ای (نکته‌ی سوم)، همیشه نمی‌توان خط سیر فکری مشخص و یگانه‌ای را در مقاله‌های روزنامه یافت. نویسندگان صوراسرافیل تحت تأثیر حوادث سیاسی گوناگون و تب و تاب پیکار اجتماعی قرار می‌گرفتند. گاه سخنان تازه‌ای می‌آوردند و گاه سخن پیشین خود را جرح و تعدیل می‌کردند.

پنجم - کار گرداندگان و نویسندگان صوراسرافیل به‌هر حال روزنامه‌نگاری بود. روزنامه نیز خواه‌ناخواه ظرفیت و محدودیت‌های خود را دارد: در چارچوب قانونی مشخصی منتشر می‌شود؛ حتی اگر زیر فشار هیچ‌گونه سانسوری هم نباشد، نمی‌تواند افکار عمومی را نادیده بگیرد؛ موظف است که با چشمان باز به رویدادهای جاری بنگرد و از آن‌ها سخن بگوید؛ چون با توده‌ی وسیع خوانندگان سروکار دارد، باید مطالب پیچیده را دشوار را ساده و قابل فهم بنویسد؛ بین نوشته‌های آن فاصله‌ی زمانی می‌افتد؛ و سرانجام این‌که همواره دچار محدودیت صفحه است. بنابراین، با مطالعه‌ی روزنامه نمی‌توان به‌طور کامل و دقیق به اندیشه‌ی نویسندگان آن پی برد و شاید تنها بتوان بر بخشی از اندیشه‌ی آن‌ها دست یافت. این قاعده‌ی کلی را می‌توان در مورد خاص صوراسرافیل نیز به کار بست.

ششم - صوراسرافیل به مدت سیزده ماه در تهران منتشر شد. کودتای محمدعلی شاه (۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶/۲ تیر ۱۲۸۷) این روزنامه را نیز مانند روزنامه‌های دیگر تعطیل کرد. پس از هفت ماه، دهخدا روزنامه را در ایوردون سوییس راه انداخت و در مدت یک ماه و نیم سه شماره‌ی آن را منتشر کرد. آنگاه صوراسرافیل برای همیشه خاموش شد. بین صوراسرافیل تهران و ایوردون تفاوت بسیار بود. مسائل کشور و ماهیت مبارزه‌ی سیاسی نسبت به گذشته دگرگون شده بودند. ترکیب گردانندگان و نویسندگان صوراسرافیل نیز تغییر یافته بود، به خصوص آن‌که میرزا جهانگیر بر خاک افتاده بود و در چاپ دوباره‌ی روزنامه دست نداشت. به همین دلایل، روزنامه‌ی چاپ سوییس نتوانست مقامی همسنگ روزنامه‌ی چاپ ایران بیابد. در این دفتر نیز تنها روزنامه‌ی چاپ تهران مطالعه می‌شود.

هفتم - دو اصل راهنمای این بررسی خواهد بود. یکی این‌که مقاله‌های صوراسرافیل در بستر تاریخی - یا زمان و موقعیت مشخص - نگارش آن‌ها مطالعه شود و دیگر این‌که تا حد امکان ریشه‌های فکری نوشته‌ها مشخص شود.

این نوشته به شش فصل تقسیم می‌شود. فصل یکم به زندگی و پرورش سه نثری می‌نگرد که هفته‌نامه‌ی صوراسرافیل را بنیان گذاشتند و آن را اداره کردند. فصل دوم به پیدایش روزنامه‌نگاری آزاد در زمانه‌ی مشروطه توجه می‌کند و از انتشار صوراسرافیل سخن می‌گوید. فصل‌های بعدی به تحلیل متن روزنامه می‌پردازند. مقاله‌های روزنامه درباره‌ی سیاست، مسئله‌ی ارضی، سنت و تجدد هر کدام فصل مستقلی را به خود اختصاص می‌دهند. فصلی جداگانه نیز به مقاله‌های «چرند پرند» می‌پردازد. برای ساده کردن کار خواننده، هنگام ارجاع به متن صوراسرافیل، تنها شماره‌ی روزنامه و صفحه‌ی آن مشخص می‌شود. مشخصات کامل روزنامه در پایان این دفتر می‌آید.

بخش‌هایی از این کار در گذشته در چند نشریه انتشار یافته یا به صورت سخنرانی ارائه شده‌اند. اما متن کنونی شکل تکامل یافته‌ی آن‌هاست و نوشته‌های پیشین در موارد متعدد تجدیدنظر و دستکاری شده‌اند.

پژوهش درباره‌ی صوراسرافیل را در حدود پنج سال پیش آغاز کردم. در سال ۱۳۸۰، مسئولان محترم دانشگاه تربیت معلم این امکان را در اختیار من و خانواده‌ام گذاشتند که برای استفاده از فرصت مطالعاتی به انگلستان بروم. بخشی از این کار محصول آن دوره است. گروه تاریخ کالج رویال هالووی (دانشگاه لندن) امکان اخذ پذیرش و انجام پژوهش را برایم فراهم کرد. خانم دکتر ونسا مارتین، عضو هیئت علمی این گروه،

مسئولیت امور دانشگاهی و علمی من را پذیرفت و طی ساعات مستمادی دربارهی مسائل تاریخ معاصر ایران با من گفت‌وگو کرد. در زمان اقامت در انگلستان، دوستانی به صورت‌های مختلف کمک کردند. نام آن‌ها را به ترتیب الفبایی می‌آورم: مجید تفرشی، همایون حمیدی، علی دهقانی، دکتر احمد (ایرج) سیف، حمید شریفی، ادوارد ملیکف، دکتر عباس ولی، دکتر ایرج هشی.

در سال ۱۳۸۲، این طرح تحقیقاتی به شورای پژوهشی ستاد برگزاری صدمین سالگرد مشروطیت ارائه شد و به تصویب رسید و موجب شد که کار سرانجام بیابد. وظیفه‌ی خود می‌دانم که از یکایک اعضای محترم شورا (آقایان دکتر یعقوب آژند، دکتر محمدعلی اکبری، دکتر قربان بهزادیان‌نژاد، دکتر عطاءالله حسنی، دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد، دکتر غلامرضا ظریفیان و دکتر عباس منوچهری) تشکر کنم.

همکاران و سروران گرامی در محیط دانشگاهی و پژوهشی ایران با بزرگواری بسیار منابعی را که در اختیارشان بود به من سپردند. در این جا به‌ویژه از خانم دکتر منصوره اتحادیه (نظام‌مافی)، آقای کاوه بیاض، خانم هما رضوانی (همکار گرامی‌ام در گروه تاریخ) و دکتر علی‌اصغر مصدق یاد می‌کنم. به یاری اعضای گروه تاریخ دانشگاه تربیت معلم، امکان استفاده از فرصت مطالعاتی برایم آماده شد. در این جا به‌خصوص از همکاری آقای دکتر حسین مفتخری و آقای کریم فتح‌علی‌زاده تشکر می‌کنم.

افراد خانواده‌ام در سراسر زندگی و در خلال این مطالعه پشتیبان و یاورم بوده‌اند. بدون همکاری آن‌ها نمی‌توانستم هیچ گامی در راهی که برگزیده‌ام بردارم. سپاسگزار همه‌ی بزرگوارانی هستم که نامشان در این جا آمده است، هرچند یاری آن‌ها و دینی که برگردنم دارند بسیار بیش‌تر از این چند خط نارساست.

سهراب یزدانی

مهر ۱۳۸۵